

۱۳۶۷. ۵۹

# جامعه‌شناسی رابطه اجتماعی

سرژ پوگام

ترجمه

عبدالحسین نیک‌گهر



انتشارات هرمس

این کتاب ترجمه‌ای است از:

*Le Lien Social*  
Serge Paugam  
Paris, Presses Universitaires de France, 2008



انتشارات هرمس

تهران، خیابان ولیعصر، بالاتر از میدان ونک، شماره ۲۴۹۳ - تلفن: ۸۸۷۹۵۶۷۴  
مجموعه ادب فکر - علوم اجتماعی: ۳۶

جامعه‌شناسی رابطه اجتماعی

سرژ پوگام

ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر

طرح جلد: واحد گرافیک هرمس

چاپ اول: ۱۳۹۴

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ: رسام

همه حقوق محفوظ است.

سرشناسه: پوگام، سرژ

Paugam, Serge

عنوان و نام پدیدآور: جامعه‌شناسی رابطه اجتماعی / سرژ پوگام؛ ترجمه عبدالحسین

نیک‌گهر

مشخصات نشر: تهران: هرمس، ۱۳۹۴

مشخصات ظاهری: یازده + ۱۴۷ ص.

شابک: 978-964-363-950-1

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: Le lien social, 2008

یادداشت: واژه‌نامه

موضوع: روابط بین اشخاص

موضوع: روابط اجتماعی

شناسه افزوده: نیک‌گهر، عبدالحسین، ۱۳۱۶- مترجم

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۴ ر ۷۷ پ / HM۱۱۰۶

رده‌بندی دیویی: ۳۰۲ /

شماره کتابشناسی ملی: ۳۶۵۴۹۷۶

## فهرست

|     |                                             |
|-----|---------------------------------------------|
| هفت | سخن مترجم                                   |
| ۷   | مقدمه                                       |
| ۵   | فصل اول: پرسش جامعه‌شناسانه                 |
| ۶   | ۱. خودگردانی و وابستگی                      |
| ۱۴  | ۲. شالوده‌های رابطه اجتماعی                 |
| ۱۴  | ۱.۲. انسان‌ها مکمل یکدیگرند                 |
| ۲۶  | ۲.۲. صورت‌های ناپهنجار تقسیم کار            |
| ۳۲  | ۳.۲. نقش اخلاق در تقسیم کار اجتماعی         |
| ۳۵  | فصل دوم: همبستگی‌باوری و رابطه اجتماعی      |
| ۳۶  | ۱. تفکر همبستگی‌باور                        |
| ۴۴  | ۲. از همبستگی‌باوری به حمایت اجتماعی همگانی |
| ۴۵  | ۱.۲. مصالحه اجتماعی پس از جنگ جهانی دوم     |
| ۴۹  | ۲.۲. انواع گوناگون رژیم‌های رفاهی           |
| ۵۷  | فصل سوم: از رابطه اجتماعی به روابط اجتماعی  |
| ۵۸  | ۱. کثرت روابط اجتماعی                       |
| ۵۸  | ۱.۱. گوناگونی وابستگی‌های اجتماعی           |

|     |                                           |
|-----|-------------------------------------------|
| ۶۴  | ۲.۱. مفهوم بیکربندی                       |
| ۷۱  | ۲. نوع‌شناسی                              |
| ۷۳  | ۱.۲. رابطهٔ فرزندی                        |
| ۷۸  | ۲.۲. رابطهٔ مشارکت انتخابی                |
| ۸۳  | ۳.۲. رابطهٔ مشارکت ارگانیک (اندامواره‌ای) |
| ۸۷  | ۴.۲. رابطهٔ شهروندی                       |
| ۹۱  | فصل چهارم: شکستگی‌ها و گسیختگی‌ها         |
| ۹۲  | ۱. نقصان - ایت و امتناع از بازشناسی       |
| ۹۳  | ۱.۱. بازگشت به معنی اجتماعی               |
| ۹۸  | ۲.۱. شکاف‌های اجتماعی                     |
| ۱۰۲ | ۲. خطر گسیختگی برای جمعی                  |
| ۱۰۲ | ۱.۲. انواع متفاوت گسیختگی‌ها              |
| ۱۱۱ | ۲.۲. یادگیری ناقص اجتماعی                 |
| ۱۱۴ | ۳.۲. تنزل پایگاه اجتماعی                  |
| ۱۲۱ | فصل پنجم: چالش‌های جدید                   |
| ۱۲۲ | ۱. برای اخلاق نوشته‌ شده رابطهٔ اجتماعی   |
| ۱۲۳ | ۱.۱. مسئولیت فردی و مسئولیت اجتماعی       |
| ۱۲۷ | ۲.۱. میان عام‌گرایی و خاص‌گرایی           |
| ۱۳۰ | ۲. حمایت و بازشناسی تفکیک‌ناپذیرند        |
| ۱۳۰ | ۱.۲. به سوی مدل جدیدی از یگانگی شغلی      |
| ۱۳۴ | ۲.۲. به سوی سیاست پیوستگی روابط اجتماعی   |
| ۱۳۷ | ۳.۲. مرزهای بین خودی‌ها                   |
| ۱۴۳ | واژه‌نامهٔ فرانسه - فارسی                 |
| ۱۴۷ | کتابشناسی                                 |

## سخن مترجم

این کتاب کوچک هدفی بزرگ دارد. مؤلف می‌خواهد از گذر علیا نای آکادمیک رابطه اجتماعی و همزاد آن همبستگی اجتماعی مدحیر یکصدساله‌ای را ترسیم کند که طی آن مفهوم همبستگی (solidarité) ابتدا به آموزه (دکترین) همبستگی‌باوری (solidarisme) و سپس به راهبرد (استراتژی) نظام جامع تأمین اجتماعی و تأسیس دولت رفاه اجتماعی در قرن بیستم انجامیده است، و نهایتاً اینکه جوار چگونگی نه در سال‌های پایانی قرن بیستم این دستاوردهای مهم اجتماعی، یعنی همگانی بودن حق برخورداری شهروندان از حمایت‌های تأمین اجتماعی (درمانی، بازنشستگی، ازکارافتادگی، بیکاری ...) زیر سؤال نه‌اند و برخورداری از این حق مشروط شده است.

رابطه اجتماعی، که بدون آن جامعه‌ای نمی‌گردد، پاسخگوی دو نیاز اساسی انسان اجتماعی است: (۱) نیاز به حمایت، شدن در برابر حوادث پیش‌بینی‌نشده و ناملازمات زندگی؛ (۲) نیاز به بازتأسی هویت انسانی‌اش در مقام عضو تمام‌عیار جامعه. دورکیم، از گذر مفاهیم همبستگی خودبه‌خودی و همبستگی اندامواره‌ای، تخریب افتراق و انسجام را در جامعه‌های مدرن تحلیل می‌کند و می‌خواهد به این پرسش پاسخ دهد که چگونه با افزایش استقلال و خودگردانی فرد وابستگی‌اش به جامعه افزایش می‌یابد. دورکیم راه حل این تناقض آشکار را در دگرگونی همبستگی اجتماعی از خودبه‌خودی به اندامواره‌ای می‌داند.

در حالی که در جامعه‌های مبتنی بر همبستگی خود به خودی افراد حمایت در برابر تهدیدهای بیرونی و بازشناسی هویتشان را از وابستگی به گروه‌های خانوادگی و خویشاوندی کسب می‌کنند، در جامعه‌های مبتنی بر همبستگی اندامواره‌ای، که به نظام حمایت اجتماعی همگانی مجهز شده‌اند، به رسمیت‌شناسی پایگاه اجتماعی افراد به داوی مستقل تبدیل شده است. به عبارت دیگر، افراد باید هویتشان را زیر نگاه ارزیابی‌کننده دیگری بسازند و به رسمیت‌شناسی هویت افراد محصول مشارکت در مبادلات زندگی اجتماعی است.

دو جامعه‌شناس، هر دو آلمانی، در پیشبرد جامعه‌شناسی تاریخی رابطه اجتماعی، بازن آنگه آن را مثل دورکیم و تونیس به تضاد مفهومی تقلیل دهند، بهیم بوده‌اند: گتورگ زیمل و نوربرت الیاس. گتورگ زیمل جامعه‌شناسی مطالعاتی در باب صورت‌های اجتماعی شدن (۱۹۰۸) با نگاه تاریخی پهن دامنه، همانند جامعه‌شناسان همعصرش، با مقایسه جامعه‌های سده میانی با جامعه‌های مدرن مشاهده می‌کند که در جامعه سده میانی وابستگی فرد به گروه‌ها، از گروه خانوادگی تا گروه خویشاوندی، طبق مدل هم‌کانونی، فرد را تماماً در خود جذب می‌کند. در عالم که در جامعه مدرن گروه‌های مختلف با کنار هم قرار گرفتن در جدال یک شخص با هم در تعامل‌اند. زیمل از مشاهدات تاریخی‌اش این حکم کلی استنتاج می‌کند: گسترش کمی گروه موجب افتراق فزاینده اعضایش می‌شود که نتیجه‌اش فردی شدن بیش‌تر است. برای زیمل، انسان قبل از هر چیز «هستی رابطه» است. بنابراین سخن گفتن از جامعه همانا سخن گفتن از رابطه اجتماعی است.

نوربرت الیاس، در تمدن آداب و رسوم و پویایی غرب (۱۹۳۹)، با مفهوم پیکربندی (configuration) مسئله وابستگی‌های متقابل

انسانی را در کانون تفکر جامعه‌شناختی قرار می‌دهد و طرحی از درهم‌تنیدگی روابط انسانی را با استفاده از استعاره‌تور برای قابل فهم کردن مفهوم پیکربندی ارائه می‌دهد و از آن نتیجه می‌گیرد: افراد با زنجیره‌هایی از وابستگی متقابل به یکدیگر مرتبط‌اند. الیاس تأکید می‌کند، علاوه بر نیاز به حمایت در رابطه اجتماعی، فرد در بیش‌تر احوال روزمره‌اش در معرض نگاه دیگری قرار دارد، که او را مجبور می‌کند طبق قواعد و هنجارهای اجتماعی رفتار کند و از گذر آن می‌خواهد نیاز حیاتی‌اش به بازشناسی هویتش را در مقام انسان ارضا کند. در این حالت، فرد در رابطه‌ای که با دیگران برقرار می‌کند در صدد کسب نسبت به هویت خودش است. بازشناسی هویت فرد بنیان همه کنش‌های متقابل انسانی است.

هرچند مفهوم بازشناسی هویت در چند دهه گذشته به شکل‌های گوناگون در علوم اجتماعی مطرح شده است، اما در دهه ۱۹۹۰، در پرتو مطالعات آکسل هویت (مبارز برای بازشناسی، ۱۹۹۲) و بحث‌هایی که برانگیخته است، این مفهوم دوباره به صحنه بازگشته است. هویت پیشنهاد می‌کند هر نوع رابطه اجتماعی بر مبنای دو بُعد نیاز به حمایت و نیاز به بازشناسی هویت برپا شود. حمایت ناظر به کل منابعی است که فرد در مقابله با حوادث زندگی می‌تواند بسیج کند. بازشناسی ناظر به کنش متقابل اجتماعی است که به‌عنوان دلیل هستی فرد و باارزش بودنش در نگاه دیگران به فرد انگیزه می‌دهد. عبارت دیگر، رابطه اجتماعی که برای فرد حمایت و بازشناسی هویت عرضه می‌کند پیوسته بُعدی عاطفی دارد که مایه تحکیم وابستگی متقابل انسان‌ها می‌شود. مجموع روابط اجتماعی را می‌توان در چهار نوع دسته‌بندی کرد که عبارت‌اند از: ۱) رابطه فرزند؛ ۲) رابطه مشارکت انتخابی؛ ۳) رابطه مشارکت اندامواره‌ای؛ ۴) رابطه شهروندی. هر چهار نوع رابطه اجتماعی بر محور کسب حمایت و

بازشناسی هویت شکل می‌گیرند و هر چهار نوع نیز در معرض ازهم‌گسیختگی هستند. بنابراین بررسی رابطه اجتماعی ایجاب می‌کند نه تنها کثرت و شدت روابط اجتماعی بلکه شکنندگی و گسیختگی‌های احتمالی‌شان را نیز تحلیل کرد.

کتاب از یک مقدمه و پنج فصل تشکیل شده است. در مقدمه، مؤلف ابتدا، پس از مرور تعاریف رابطه اجتماعی و کارکرد حیاتی آن در انسجام جامعه از دیدگاه جامعه‌شناسان بنیانگذار، بحران رابطه اجتماعی در جامعه مدرن صنعتی و پیامدهایش را در زندگی شهری یادآوری می‌کند.

فصل ۱ از تناقض آشکار رشد خودگردانی فرد و رشد وابستگی‌اش به جامعه در چشم‌انداز نظریه همبستگی خود به خودی و همبستگی اندامواره‌ای دورکیم، صورت‌های نابهنجار تقسیم کار و نقش اخلاق در تقسیم کار اجتماعی بحث می‌کند.

فصل ۲ استحاله مفهوم همبستگی به آموزه همبستگی‌باوری و نهایتاً نهادی شدن نظام جامع تأمین اجتماعی و تأسیس رژیم‌های رفاهی پس از جنگ جهانی دوم در کشورهای اروپایی را بررسی می‌کند.

فصل ۳ به کثرت روابط اجتماعی «گوناگونی» همبستگی‌های اجتماعی و چهار نوع رابطه اجتماعی — «رابطه فردی، رابطه مشارکت انتخابی، رابطه مشارکت اندامواره‌ای، رابطه «هروندی» — از دیدگاه آکسل هونت، جامعه‌شناس معاصر آلمانی، می‌پردازد.

در فصل ۴ از شکنندگی‌ها و گسیختگی‌های انواع چهارگانه روابط اجتماعی بحث شده است.

در فصل ۵، با عنوان «چالش‌های جدید»، شرایط برون‌رفت از بحران رابطه اجتماعی، مسئولیت فردی و مسئولیت اجتماعی و نهایتاً سیاست پیوستگی روابط اجتماعی مطرح شده است.

سرژ یوگام، که پیش‌تر با کتاب ۱۰۰ واژه کلیدی جامعه‌شناسی<sup>۱</sup> به فارسی‌زبانان معرفی شده است، مدیر تحقیق در «مرکز ملی مطالعات علمی» (CNRS) فرانسه، استاد جسامه‌شناسی در مدرسه عالی مطالعات علوم اجتماعی پاریس و مدیر مجموعه رابطه اجتماعی در انتشارات دانشگاهی فرانسه (PUF) است.

---

۱. سرژ یوگام، ۱۰۰ واژه کلیدی جامعه‌شناسی، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۹۳.

## مقدمه

امروزه دانشگاه اجتماعی از آگاهی‌ای که جامعه‌ها از خودشان دارند جدا شده است. این نیست و کاربرد رایج آن را می‌توان بیان پرسشی دربارهٔ معنای جامعه در دنیای دانست که رشد فردگرایی در آن گریزناپذیر است. آیا جامعه‌ای متشکل از افراد خودگردان را می‌توان هنوز جامعه دانست؟ اگر پاسخ به این پرسش مثبت است، چگونه؟ از ابتدای تأسیس رشتهٔ جامعه‌شناسی، جامعه‌شناسان در صددند به این پرسش پاسخ دهند. جامعه‌شناسان پرسش‌هایی کرده‌اند، بر پایهٔ تحلیل تحول بلندمدت جامعه‌های انسانی، توضیحی ارائه دهند. در این چشم‌انداز، ایدهٔ رابطهٔ اجتماعی به بینش تاریخی ارجاع می‌داد که، یکجا، هم رابطهٔ میان فرد و گروه‌های وابستگی‌اش و هم تغییر بلندمدت اجتماعی را مد نظر داشت.

اگر [در قرن بیستم] افراد از حمایت تأمین اجتماعی همگانی برخوردار نشده بودند، به حمایت‌هایی که از ناحیهٔ وابستگی‌شان به گروه‌های کوچک‌تر [خانوادگی، خویشاوندی، محلی، ...] عرضه می‌شد وابسته‌تر باقی می‌ماندند و در نتیجه فرایندهای فردگرایی نمی‌توانست چنان سریع و چنان عمومیت یافته باشد. در جامعه‌های روستایی، که بنا به تعریف سنتی‌ترند، همبستگی‌ها اساساً در مقیاس خانوادهٔ گسترده توسعه می‌یابند. افراد نه تنها برای حمایت شدن بلکه همچنین برای بازشناسی هویتشان به خانواده وابسته‌اند، و هویت

خانوادگی اساس یگانگی اجتماعی است. در جامعه‌های مدرن، مدل‌های نهادی بازشناسی هویت انفرادی شده‌اند؛ آن‌ها بیشتر بر ویژگی‌های فردی استوارند تا بر ویژگی‌های جمعی. به عبارت دیگر، صرف عضویت در یک گروه اجتماعی هویت نمی‌سازد، بلکه هویت محصول برآیند چیدمان گروه‌های مختلف — یا حلقه‌های اجتماعی<sup>۱</sup> — است که در هر فرد ترکیبی بدیع و منحصر به فرد دارد. باری، هویت فرایندی تاریخی است که هر فرد را در ارتباط با گروه‌های وابسته‌اش در موقعیتی به ظاهر مستقل قرار می‌دهد، و در همان حال نیاز او را مبهور می‌کند که خودش را به تبع نگاهی که دیگری به او دارد تعریف کند.

اغلب می‌شنیم که از «بحران رابطه اجتماعی» و از ضرورت «از نو بافتن» یا «از نو گروه زنی» رابطه اجتماعی حرف می‌زنند. امروزه، اصطلاح «رابطه اجتماعی» برای بیان میل با هم زیستن، عزم دور هم جمع کردن افراد پراکنده و آبروی انسجام محکم‌تر جامعه در کل به کار می‌رود.

جامعه‌شناسان می‌دانند که زندگی در جامعه‌ای که موجود انسانی را از بدو تولدش در وابستگی متقابل با دیگران قرار می‌دهد و همبستگی در همه مراحل اجتماعی شدن ستون پایه آنچه را تشکیل می‌دهد که می‌توان انسان جامعه‌شناختی<sup>۲</sup> نامید، انسان نه تنها برای برخورداری از حمایت در برابر حوادث غیر مترقبه زندگی، بلکه هم برای ارضای نیاز حیاتی‌اش به بازشناسی، منبع هویتش و هستی‌اش به عنوان انسان، به دیگران و به جامعه وابسته است. بنابراین، آنچه بحران رابطه اجتماعی نامیده می‌شود بی‌شک به

۱. به اصطلاح گنورگ زیمل؛ نگاه کنید به فصل سوم، ص ۵۸ به بعد.

2. homo sociologicus

آگاهی از پدیده‌های جدیدی بستگی دارد که به سبب گستردگی‌شان هم شهروند عادی و هم پژوهشگر اجتماعی را مخاطب قرار می‌دهند. در حالی که شهر جدید عالی‌ترین مکان برای تحرک‌ها و آمیزش‌های اجتماعی و فرهنگی است، امروزه آشکارا تحت تأثیر فرایندهای جداربندی اجتماعی به نظر می‌رسد. برخی از ساکنان شهر جدید در حله‌های اعیان‌نشین در صددند خود را از دیگران جدا کنند و یوارهای حفاظتی دور خود بکشند؛ برخی دیگر سعی می‌کنند از حضور روزمره تهیدستان و مهاجران رهایی یابند و این در حالی است که حرمه‌ها، حقیرنشین شهرهای بزرگ در بی‌ثباتی پایدار فرومی‌روند. حله‌های بسته‌ای از خودی‌های ساختگی شکل می‌گیرد. باری، این شهر چند لایه جوئی نایمن ایجاد می‌کند که در نتیجه انتظارات را برای تأمین امنیت و مراقبت اجتماعی اقتدارگرایانه انتظامی برمی‌انگیزد. به طور کلی، مشروعیت نهادهای بزرگی که وظیفه‌شان اجتماعی کردن افراد و گروه‌های اجتماعی است دچار بحران می‌شود. اعتمادی که این نهادها در گذشته از آن برخوردار بودند در همه حوزه‌ها، از جمله خانواده، مدرسه، کار و دستگاه‌های دولتی، افول می‌کند. در عرصه حمایت اجتماعی، زمانی که به هم ریختن تعادل‌های جمعیتی نیازهای جدیدی برمی‌انگیزد و گروه‌های کثیری از جمعیت‌های حاشیه‌نشین دستخوش اعتراض و بیکاری دوره‌ای<sup>۱</sup> و مشاغل ناپایدار با دستمزدی «بخور و هم می‌شوند، بحران رابطه اجتماعی شدیدتر می‌شود. این دگردیسه‌ها همچنین بحران هویت‌ها را در پی دارد و بستر مساعدی برای اندیشیدن دربارهٔ مجموعه رابطه‌هایی را ایجاد می‌کند که فرد را به جامعه متصل می‌کنند.

1. chômage récurrent

جامعه انسانی بدون همبستگی میان اعضایش نمی‌تواند وجود داشته باشد. همبستگی مبنای اخلاق مشترک هر نوع زندگی جمعی است. این حکم در راستای ترامیل دورکیم است که به موجب آن همبستگی با تغییر ماهیت طی قرن‌ها از همبستگی خود به خودی<sup>۱</sup> به همبستگی اندامواره‌ای<sup>۲</sup> مبدل شده است و همچنان اصل سازمان‌دهنده زندگی جمعی است.

پس از مرور مفهوم همبستگی از نگاه دورکیم، یرشش‌هایی دربارهٔ صورت‌های معاصر بحران رابطه اجتماعی مطرح خواهیم کرد. بحران رابطه اجتماعی چگونه فرمول‌بندی شده است؟ این بحران چه چیزی را آشکار می‌کند؟ دربارهٔ صورت‌های معاصر همبستگی اجتماعی چه چیزی به ما می‌آموزد؟ یرشش از سودمندی، زمانی که پاسخ قطعی باشد، ممکن است ساده‌انگیزانه به نظر آید. کارکرد رابطه اجتماعی در هر عصر و زمانه‌ای این است که افراد و گروه‌های اجتماعی را متحد کند و بر پایهٔ قواعدی که همکاران پذیرفته‌اند همزیستی مسالمت‌آمیزی را برایشان تضمین کند. اما لازم نیست این قضیه را عمیق‌تر بررسی کرد؟ این همزیستی بر چه پایه‌ای استوار است؟

1. solidarité mécanique

2. solidarité organique